

## پیشگفتار مترجم

سیلیویو گزل، نویسنده کتاب حاضر در 1862 در آلمان و در مجاورت لوکزامبورگ، در خانواده‌ای پدر آلمانی و مادر فرانسوی دیده به جهان گشود و به سال 1930 در سویس دیده از جهان فرو بست. شغل اصلی گزل تجارت در آرژانتین (در شهر بوئنوس آیرس) بود. او در 1906 در سویس خود را بازنشسته کرد و چون از منابع مالی کافی برخوردار بود بقیه عمر خود را صرف امور علمی و تحقیقاتی در زمینه تدوین کتاب و نیز مزرعه‌داری نمود.

کتاب نظام اقتصاد طبیعی از راه زمین آزاد و پول آزاد که قسمتهای مختلف آن قبلاً و در شرایط مختلف نگاشته شده بود، در 1916 در برلین و سویس منتشر شد و بزودی به چاپ ششم رسیده طرفداران بسیاری یافت؛ سپس به زبانهای انگلیسی، فرانسوی و اسپانیایی ترجمه شد.

سیلیویو گزل در این اثر ادعا کرده است که نظام اقتصادی حاکم بر انسانها، که بیشتر منبعث از اقتصاددانان کلاسیک است، به هیچ وجه با شرایط صلح و آرامش افراد و کشور ما هماهنگ نیست. او علت اصلی این ناهماهنگی را در رانت زمین و بهره پول، به عنوان عوامل به وجود آورنده قدرت انحصار اقتصادی، و نبود توزیع عادلانه محصول فعالیت تولیدی تشخیص داد. گزل با ارائه استدلالهای متعدد نشان داد که بویژه بهره سبب فقر، بی‌ثباتی و بحران اقتصادی است و برای رفع قطعی این مشکلات باید بهره از زندگی اقتصادی حذف شود.

گزل برای توضیح علت اصلی وجود بهره در زندگی اقتصادی، مفهوم خاصی موسوم به «بهره اولیه» را تشریح کرده، آن را ناشی از ماهیت پول رایج در فعالیت اقتصادی می‌داند. او در کتاب خود برای حذف بهره و به جریان افتادن پول بدون بهره، که آن را پول آزاد نامیده، پیشنهاد کرده است از پول متناسب با مدت زمان احتکار آن نزد افراد، مالیات اخذ شود.

اقتصاددانان معروف و صاحب‌نظری چون جان مینیارد کینز، ایروینگ فیشر، لارنس کلاین و موریس الیاس تفکرات گزل را بسیار جدی دانستند و از آن تقدیر کردند. بخصوص کینز در کتاب معروفش، نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول، شرح زندگی و نظرات گزل را درج کرده است؛ توجه به دو نقل قول از آن جهت درک اهمیت علمی تفکرات گزل کفایت می‌کند:

در اینجا لازم است از سیلیویو گزل (1862-1930) دانشمند و مبتکری که به ناحق گمنام مانده است نام برد. آثار گزل در زمینه اقتصاد، بسیاری از مسائل اقتصادی لاینحل را روشن می‌سازد. من معتقدم که آینده علم اقتصاد از نظریه‌های گزل بیشتر از آنچه تاکنون از نظریه‌های مارکس بهره برده است، خواهد آموخت.

آن گروه از اصلاح‌طلبانی که راه نجات را در ایجاد و به جریان انداختن پولی می‌دانند که برای نگهداری آن باید مبلغی به عنوان مالیات پرداخت شود، و به این وسیله احتکار پول غیراقتصادی شود، در راه صحیحی بوده‌اند و ارزش علمی تفکرات آنها در خور توجه بیشتر است.

نکته قابل توجه در نظریات گزل برای ما ایرانیها تشابه نسبی آن با اصول نظام اقتصادی است که در این نظام نیز وجود مالکیت خصوصی بلاقید و شرط بر زمین و رواج بهره در معاملات بشدت نفی شده است. با

وجود این، آراء گزل و نحوه استدلال او برای توجیه آراء خود در محافل علمی - اقتصادی کشور ما معرفی نشده و با وجود اینکه هدف حذف بهره و عدالت اجتماعی از اهداف اولویت‌دار کشور تعیین شده است، اقتصاددانان ایرانی بندرت با استدلالها و طرز فکر این دانشمند آشنا هستند.

اینجانب برای تدوین پایان‌نامه دکترای اقتصاد، در دانشگاه وین، در اتریش، با نظرهای گزل در خصوص دلایل وجود بهره، آثار آن بر اقتصاد جوامع و روش حذف آن آشنا شدم و از این نظرها بهره بردم؛ اما به دلیل کم بودن فرصت اقامت در اتریش موفق به مطالعه کامل کتاب گزل نگردیدم و پس از بازگشت به ایران هر چه جستجو کردم اثری از آراء گزل و آثار او نیافتم. اما با نهایت حیرت و تعجب مشاهده نمودم که دست‌اندرکاران اقتصاد کشور بدون هیچ استدلال منطقی و علمی و صرفاً با ابتنا بر مجموعه‌ای از اقدامات اجرایی و قانونگذاری سعی نموده‌اند بهره را از نظام اقتصادی کشور حذف کنند. به طور طبیعی، این اقدامات نه تنها نتیجه‌ای نداشته است، بلکه موجب کاهش کارایی نظام بانکی و افزایش بهره در اقتصاد کشور شده است. در این شرایط، وظیفه خود دانستم که برای آغاز فعالیتی علمی و ریشه‌ای در جهت حذف ربا کتاب گزل را تهیه و ترجمه کنم؛ امید است این اقدام توجه صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران مسائل اقتصادی کشور را، اعم از دانشگاهی و اجرایی، جلب نموده باعث شود که به موضوع بهره با دقت بیشتری بنگرند. در مورد ترجمه کتاب گزل نکات زیر را متذکر می‌شود:

1. مطالب ارائه شده در کتاب گزل مربوط به سالهای قبل از 1920 است و فصول و قسمت‌های مختلف جدا از هم و در شرایط مختلفی نگاشته شده و بعداً جمع‌آوری گردیده است. از این‌رو، برخی مطالب را به صورت تکراری در قسمت‌های مختلف کتاب مشاهده کردم و کوشیدم این نوع مطالب تکراری را حذف یا خلاصه کنم.

2. برخی توضیحات و تعاریف معطوف به زمان و شرایط نگارش مطالب بوده است که با تغییر زمان و شرایط و کسب تجارب جدید، ماهیت و اعتبار آنها تغییر کرده است. در حین ترجمه کتاب تلاش کردم این نوع موارد را تا جایی که به اصل مطالب مورد نظر مؤلف لطمه‌ای وارد نیاورد، حذف کنم.

3. کلیه حواشی و زیرنویسهای کتاب را، تا جایی که برای توضیح مطالب لازم تشخیص داده شده، در متن کتاب درج کردم و بقیه را که مربوط به زمان تدوین کتاب و افراد و مراجعی است که در حال حاضر ناشناسند حذف کردم.

4. در ترجمه کتاب حتی‌الامکان سعی کردم نوع ترجمه تحت‌اللفظی باشد، اما در برخی موارد، محتوای مطالب را به صورت ترجمه آزاد به فارسی برگرداندم.

امید است با توجه به موضوع و مطالب کتاب حاضر، سرفصلی جدید در زمینه بهره و عدالت اجتماعی در کشور گشوده شود و تضاد کنونی بین نظریه و عمل در خصوص بانکداری بدون ربا به سرانجامی مطلوب برسد.

### پیشگفتار مؤلف

هر نظام اقتصادی را تنها در صورتی می‌توان طبیعی تلقی کرد که با طبیعت و فطرت بشر سازگار باشد. باید توجه داشت که منظور از نظام طبیعی آن نیست که خودبه‌خود از طریق طبیعت حاصل شده باشد، بلکه نظامی است حاصل تجربه و عملکرد انسانها، موضوع سازگاری یا ناسازگاری نظام اقتصادی با طبیعت بشر را می‌توان با مراجعه به تاریخ تکامل جوامع انسانی تشخیص داد. در این مورد می‌توان استدلال کرد که در دورانهایی از تاریخ تکامل انسانها که بهترین رشد و تکامل بشر در آن به ثبت رسیده، نظام اقتصادی مربوطه نزدیکترین تشابه را با نظام طبیعی داشته است. اما بررسی این نکته که این نوع نظام تا چه حد قابل اجرا بوده و موجب افزایش عملکرد اقتصادی انسانها شده است موضوعی است علی‌حده که اهمیت کمتری دارد. در این زمینه می‌توان نظام اقتصادی خاصی را تصور کرد که به لحاظ عملکرد نتیجه بالایی داشته اما به لحاظ تکامل انسان نتایج دردناکی به دنبال داشته باشد. اما، در مقابل باید پذیرفت نظامی که موجب ارتقای بشر می‌شود، باید به عنوان نظامی با عملکرد خوب تلقی شود؛ زیرا محصول فعالیت‌های بشر، سرانجام با ارتقای قابلیت‌های بشر بهبود می‌یابد.

ارتقای بشر نیز، مانند سایر موجودات زنده، در درجه اول به این عامل بستگی دارد که انتخاب بشر برای شیوه زندگی اقتصادی هم‌جهت با قوانین طبیعی زندگی باشد؛ اما حصول به این قوانین طبیعی و جا انداختن آنها در زندگی اقتصادی بشر نیاز به مسابقه و رقابت دارد. تنها از طریق رقابت، آن هم بیشتر در زمینه فعالیت‌های اقتصادی است که تلاشها و عوامل ترغیب‌کننده برای ارتقا و پیشرفت شکل می‌گیرد. اگر قرار باشد قوانین طبیعی به طور کامل و مؤثر در زندگی انسان پیاده شود، باید نظام اقتصادی به گونه‌ای استقرار یابد که اصل رقابت بین انسانها در هماهنگی با طبیعت جریان یابد؛ بنابراین باید تدارکات همه افراد برای شرکت در رقابت یکسان بوده و سازماندهی‌های اجتماعی مانع تبعیض بین انسانها و برقرار شدن قدرت انحصاری فردی یا گروهی شود؛ در این حالت است که موفقیت افراد در رقابتها و مسابقه‌ها فقط به ویژگی‌های ذاتی و تلاششان وابسته شده روحیه تلاش‌گری به همین نحو به نسل‌های بعد به ارث می‌رسد و جزو ویژگی‌های ذاتی انسانها می‌شود.

اگر در ماهیت پول به جای امتیازات و مزایای مورد تعهد و مستتر در آن، ویژگی‌هایی مانند سعی و کوشش، نیرو و قدرت، عقل و تجربه و عشق و محبت تعبیه می‌شد، فرزندان هر نسل موفقیت خود را مرهون عقل و درایت والدین خود می‌بودند؛ در این صورت می‌توانستیم امیدوار باشیم که با گذشت زمان، بشر از همه بدبها و پلیدی‌هایی که طی هزاران سال در نتیجه پرورش نادرست ناشی از ماهیت پول و امتیازات تبعیض‌آمیز آن به خود گرفته است آزاد شود و خود را از این تفکر که قدرت و حاکمیت حق طبقه‌ای است که از امتیازات تبعیض‌آمیزی بهره می‌گیرد، رها ساخته، تحت هدایت اصیلترین، نجیبترین و با استعدادترین افراد مسیر ارتقا به سوی اهداف الهی که مدتهاست فراموش شده بپیماید.

نظام اقتصادی حاکم بر زندگی انسانها را می‌توان از جنبه دیگری به لحاظ طبیعی بودن ارزیابی کرد. برای اینکه انسان بتواند سیر تکاملی خود را بپیماید باید بتواند در تمام شرایط طبق فطرت خود رفتار کند.

ویژگیهای فطری انسان باید به صورت واقعی در رفتار انسان تجلی یابد، نه اینکه به این خصوصیات تظاهر کند. یکی از ویژگیهای بارز انسانی این است که همیشه آزادانه حقیقت گو باشد. نظام طبیعی حاکم بر زندگی انسانها باید به گونه‌ای باشد که حقیقت‌گویی نوعی صفت ممتاز و قهرمانانه تلقی شده و انسانهای حقیقت‌گو نه تنها صدمه‌ای نبینند، بلکه موجب رشد و تکامل آنان در زندگی اقتصادی شود و انسان آزاداندیش و حقیقت‌جو پرورش یابد.

اگر انسان بخواهد در جامعه بر اساس فطرت طبیعی خود رفتار کند باید از طریق قوانین، عقاید مذهبی و رسوم جاری شرایطی فراهم باشد که فعالیتهای اقتصادی او در جهت تأمین نیازهای منطقی‌اش مورد حمایت قرار گیرد. در جامعه‌ای که انسانها با فعالیتهای اقتصادی منطقی در جهت تأمین نیازهای خود بتوانند از نظر پایگاه اجتماعی ارتقا یابند، اما جهان‌بینی مذهبی رایج، آنان را نکوهش کند، دیر یا زود این نوع اعتقادات مذهبی یا به حاشیه رانده یا بر آن تجدیدنظر می‌شود. نظام ارزشگذاری جامعه باید به گونه‌ای باشد که انسانهای بزرگ و دارای ویژگیهای برجسته از نظر فعالیتهای اقتصادی، تشویق شوند و قدرشان دانسته شود. در این صورت، انسانها بر تلاش خود می‌افزایند و گنجهای درونی و پایان‌ناپذیر خود را کشف می‌کنند. به همین علت می‌توان ادعا کرد که مبانی اقتصاد طبیعی بر بهره‌گیری هر فرد از تواناییهای خود در جهت کسب رفاه مبتنی است. اما انجام دادن فعالیت اقتصادی نیازمند قبول نوعی گذران زمان در شرایط نامطلوب و گاهی زجرآور است و انرژی طبیعی انسان را تحلیل می‌برد. به همین علت انسان برای پرداختن به فعالیت اقتصادی نیاز به انگیزه و نیروی محرکه دارد که قوی‌ترین آنها بهره‌مندی فرد از حاصل فعالیت اقتصادی است. از این‌رو، اگر سیاست‌گذاران اقتصادی برای اعمال سیاستهای خود در زمینه فعالیتهای اقتصادی، بر انگیزه منافع اقتصادی اشخاص حساب باز کنند تصور درستی از واقعیت اقتصادی داشته‌اند. توصیه‌های اقتصادی مسیحیت نباید به سیاست‌گذاری اقتصادی منتقل شود، زیرا در این صورت به نتیجه درستی منتهی نمی‌شود. در واقع، انسانها بعد از برآورده شدن نیازهای مادی‌شان نیازهای معنوی را احساس می‌کنند و فعالیتهای اقتصادی ویژه برآوردن نیازهای مادی است. به عبارت دیگر، انسان وقتی گرسنه است گدایی می‌کند و وقتی سیر شد به عبادت می‌پردازد.

نظام اقتصاد مبتنی بر منافع شخصی، علاوه بر ایجاد انگیزه برای افزایش فعالیتهای اقتصادی، انگیزه و امکان کافی برای پرداختن به فعالیتهایی با هدف غیر از کسب منفعت شخصی را نیز فراهم می‌کند. در این نوع نظام اقتصادی که مبتنی بر انگیزه کسب منفعت شخصی است، هر کس باید از تصاحب کامل محصول فعالیت اقتصادی خود مطمئن شود و در مورد نوع استفاده از آن کاملاً آزادانه تصمیم بگیرد. در چنین شرایطی، هر کس که مایل است با رضایت خود به دیگران یاری می‌رساند، ولی هیچ کس او را مجبور به این کار نمی‌کند. در داستانی معروف گفته شده است که بزرگترین مجازاتی که می‌توان برای فرد تعیین کرد این است که او را به جامعه‌ای تبعید کنند که همه نیازمند کمکند و همه دستها برای درخواست کمک به سویس دراز شود، اما نتواند به آنان یاری دهد. اگر نظام اقتصادی جامعه بر قواعدی غیر از منافع شخصی استوار باشد و افراد نتوانند در استفاده از محصول فعالیت خود آزادانه تصمیم بگیرند، جامعه در چنین وضعیت وحشتناکی قرار می‌گیرد.

در اینجا لازم است برای آرامش خاطر خوانندگان انسان دوست متذکر شوم که روح همدردی با دیگران و

آمادگی برای فداکاری، در شرایطی بهتر رشد می‌کند که افراد بتوانند با موفقیت کار کنند. روحیه فداکاری از ویژگی‌هایی است که همراه با احساس قدرت و اطمینان در افراد ظاهر می‌شود و در شرایطی تجلی می‌یابد که انسانها قادر باشند برای تأمین نیازهای زندگی به بازوی خود متکی باشند. باید دقت کرد که در مطالب مذکور مفهوم منافع شخصی با مفهوم خودخواهی یکسان تلقی نشود. انسان خودخواه بسیار کوتاه‌بین است و انسانی که دیدی وسیع دارد درک می‌کند که منافع شخصی‌اش در شرایطی که همه مردم جامعه در رفاه باشند در بهترین حالت تأمین می‌شود.

به این ترتیب، منظور از اقتصاد طبیعی نظامی است که انسانها با در اختیار داشتن تجهیزاتی که از طبیعت به امانت می‌گیرند و در شرایطی برابر با یکدیگر رقابت می‌کنند و فعالترین و باهوشترین آنان هدایت جامعه را برعهده می‌گیرد، هیچ نوع امتیاز تبعیض‌آمیزی در جامعه وجود ندارد و همه افراد در راه کسب منافع شخصی و در جهت هدف خود حرکت می‌کنند، بدون اینکه در نتیجه عوامل انسانی غیراقتصادی و خارج از کنترلشان حرکت خود را کند کنند.

یکی از شرایط لازم برای طبیعی بودن نظام اقتصادی در وضعیت اقتصادی ناهنجار امروزی تحقق یافته است، که همانا فعالیتهای اقتصادی به انگیزه کسب منافع شخصی است. اما شرط دیگری که از عوامل مهم برقرار شدن اقتصاد طبیعی است و در نظام اقتصادی حاکم بر جهان وجود ندارد این است که همه افراد برای کسب منافع شخصی با تدارکاتی یکسان در رقابت شرکت کنند.

با توجه به این مطلب، برای رسیدن به نظم اقتصادی جدیدی که متناسب با وضعیت طبیعی اقتصاد باشد، ضرورت دارد کلیه عوامل ایجاد تبعیض در فعالیتهای اقتصادی که شرایط رقابت را به انحراف می‌کشاند به طور کامل از بین ببریم. رسیدن به این هدف نیازمند برقرار شدن شرایطی است که در این کتاب بحث می‌شود؛ یعنی شرایط زمین آزاد و پول آزاد.

این نوع نظام اقتصادی طبیعی را می‌توان نظام بازار آزاد نامید، نظامی که در آن آزادی افکار به عنوان هدف جلوه‌گر است و افراد می‌کوشند بدون وابستگی به قدرت انفرادی یا گروهی خارج از نظام روی پای خود بایستند و براساس قواعد بازی رقابت آزاد با هم رقابت کنند. در صورت برقرار شدن این نوع نظام، بتدریج آثار مخرب ناشی از مداخلات دولت در اقتصاد، که از طریق تأثیر ایده سوسیالیسم دولتی و کوتاه‌بینی مقامات دولتی به وجود آمده است، جبران می‌شود و نظام اقتصادی در مسیر صحیح قرار می‌گیرد. امروزه فعالان اقتصادی به صورت بنگاههای آزاد، فقط شامل گروهی می‌شوند که تحت تأثیر تصمیمهای اشتباه ناشی از سیاستهای اقتصادی قرار نگرفته‌اند و برنامه‌های اقتصادی‌شان با موفقیت به پیش رفته است. اما به هر حال، افراد بسیاری خارج از این گروه فعالیت می‌کنند و همین کفایت می‌کند که نظام کنونی، به عنوان نظام بنگاهداری آزاد، مورد تردید قرار گیرد.

در واقع، نظام بنگاهداری آزاد در مراحل اولیه تکامل خود در مسیری صحیح قرار داشت، اما فراموش شد که چهارچوب نظام برای ادامه و تقویت این نوع فعالیتهای اقتصادی آماده نگه داشته شود تا نیروهای شرکت کننده بتوانند آزادانه با هم رقابت کنند. در حقیقت، فرض بر این بوده است که در نظام اقتصادی کنونی با

وجود عوامل ایجاد تبعیض، به صورت افزونه<sup>1</sup> زمین و بهره پول، تضمین کافی برای فعالیت بنگاهداری آزاد مهیاست، به شرط آنکه دولت بیش از حد دخالت نکند. اما در این فرض فراموش شده است یا نخواستند به آن توجه کنند که شرایط اقتصادی زمانی نظام بنگاهداری آزاد تلقی می‌شود که پرولتاریا هم بتواند با تملک همان ابزار تولیدی که از او ربوده شده است به فعالیت تولیدی بپردازد. در حالی که به جای تحقق این شرایط، فعالان موفق اقتصادی دولت را به خدمت خود گرفتند تا با استفاده از قدرت آن، شرایط به وجود آمدن نظام رقابتی آزاد برای همه را به طور کامل مخدوش کنند؛ این امر، دقیقاً، برخلاف آموزشی است که علم اقتصاد در ابتدای تکامل خود در مورد نظام بنگاههای رقابتی آزاد ارائه کرده است. شیادان و کلاهبرداران ملی و بین‌المللی برای حفظ قدرت اقتصادی و تبعیض‌آمیز فعالان موفق اقتصادی، آموزش اقتصاد را به راهی هدایت کردند که اصول رقابت بنگاهی آزاد را نفی می‌کند؛ که نوعی تقلب و کلاهبرداری به حساب می‌آید.

برای قضاوت درست در مورد عملکرد و نتایج نظام اقتصادی رقابت آزاد، نباید وضع زندگی اقتصادی انسانها را در شرایط کنونی بررسی کرد. در واقع، از این نظام انتظار می‌رفت که در نتیجه رقابت نیروهای اقتصادی، در مرحله اول میزان بهره بتدریج کاهش یافته به صفر برسد؛ زیرا در انگلستان که از بهترین شرایط پولی و مالی برخوردار بود، میزان بهره نسبت به سایر کشورها در پایین‌ترین حد قرار داشت. تصور بر این بود که در این نظام اقتصادی کافی است نیروهای اقتصادی آزاد شوند و به رقابت آزاد بپردازند تا عرضه پول بتدریج افزایش یابد و میزان بهره، این زشت‌ترین پدیده اقتصادی که بشر تاکنون تجربه کرده است، از بین برود. طرفداران و مبلغان نظریه رقابت آزاد با موانع، مشکلات و محدودیتهایی که در مسیر حرکت به سوی حذف بهره وجود داشت آشنا نبودند.

در بخش دیگری از نظریه رایج مربوط به نظام رقابتی آزاد در ابتدا این روند پیش‌بینی می‌شد که در نتیجه تقسیم داراییها به وراثت و رشد جمعیت، پدیده بزرگ مالکی به خرده مالکی تبدیل و افزونه زمین بین همه مردم به طور مساوی توزیع می‌شود. تجارب بعدی نشان داد که این نظریه سطحی و غیرواقعی بوده است؛ زیر شرایط سخت اقتصادی خرده مالکان بدون اندوخته‌های نقدی، آنان را مجبور به فروش زمینها کرد و پدیده بزرگ مالکی همچنان ادامه یافت. بشر در مراحل بعدی تکامل اقتصادی، به اختراعاتی مانند کشتی بخار و راه‌آهن دست یافت که همراه آن روحیه آزادیخواهی و مطالبه حق در کارگران قوت گرفت. این تحولات در انگلستان باعث شد دستمزد کارگران به قیمت کاهش افزونه زمین افزایش یابد. در ضمن، مهاجرت کارگران به امریکا و اشتغال روی زمینهای آزاد در این سرزمین تازه کشف شده، بدون هر نوع عوارض و افزونه موجب کاهش محصولات کشاورزی و افزونه زمین در انگلستان شد. این روند موجب بروز بحران اقتصادی در انگلستان و کشورهای مشابه شد و دولتها تلاش کردند از راههای مختلف، از جمله وضع عوارض بر واردات محصولات کشاورزی، بحران را مهار کنند.

سومین نکته مهمی که مبلغان نظام رقابتی آزاد در توجیه کارایی نظام اقتصادی ارائه کرده‌اند این است که چون نظام توانسته با بهره‌گیری از نیروهای بازار آزاد بر بحران گرسنگی ناشی از افزایش قیمت محصولات کشاورزی و مشکلات ناشی از آن فایق آید، به همین ترتیب نیز می‌تواند با روشی مشابه و بهبود شیوه‌های

1 . rant

حمل و نقل، تأسیسات و سازماندهی تجاری و گسترش خدمات بانکی و غیره، سایر مشکلات اقتصادی را هم برطرف کند؛ زیرا همان‌گونه که بحران گرسنگی و توزیع نامناسب محصولات غذایی تشخیص داده شد، تصور می‌رفت که رکود اقتصادی هم به سبب توزیع نامناسب سایر کالاها و عوامل تولید رخ دهد.

در مجموع می‌توان آموزشهای ارائه شده در مورد گردش کار نظام بنگاههای رقابتی آزاد را چنین خلاصه کرد: اگر بتوان با فعالیت تجاری، اقتصاد کشور را به طور مستمر در اشتغال کامل نگاه داشت، در نتیجه این‌گونه گردش کار بدون رکود اقتصادی، مازاد تولید سرمایه حاصل می‌شود و به دنبال آن، میزان بهره بتدریج از بین می‌رود. اگر همین امر در مورد افزونه زمین هم رخ دهد، رخدادی که در جریان رقابت آزاد دور از انتظار نیست، در این صورت قدرت پرداخت مالیات ملت به قدری بالا می‌رود که همه بدهیهای دولت در مدت کوتاهی تسویه شده و بعد از آن دولت قادر خواهد بود بودجه‌ای متعادل تنظیم کند. با توجه به ارتباط متقابل این‌گونه نظریه‌ها در مورد نظام رقابت بنگاهی آزاد، می‌توان نتیجه گرفت که با برقرار شدن آزادی و رقابت در تصمیم‌گیری اقتصادی، شرایط مناسب و عادلانه اقتصادی در جهان فراهم می‌شود و با حذف عاملان اقتصادی سوداگر، شاکیان متعدد نظام قانع و ساکت می‌شوند.

با توجه به اینکه تا به امروز، نه تنها هیچ اثری از تحقق این‌گونه نظریه‌ها مشاهده نشده است، برعکس به مرور زمان، نقایص این نظام گسترده‌تر و رنج‌آورتر شده است؛ باید نتیجه گرفت که نقایص این نظام که از دوران قدیم به میراث مانده از نظر طرفداران آن پنهان بوده و باید آن را با استدلالی دیگر که به ماهیت پول رایج در این نظام مربوط می‌شود، بررسی کرد. نظریه‌پردازان نظام بنگاههای رقابتی آزاد از این نکته غافل مانده‌اند که بهره در واقع شرط به کار افتادن پول است و رکود اقتصادی، اشتباهات به کارگیری پول در برنامه‌ریزیهای فعالان اقتصادی و بیکاری آثاری اند که از نوع پول در جریان نشأت می‌گیرند. در واقع، می‌توان گفت امیدهایی که به نظام رقابتی آزاد بوده است با ماهیت و شرایط پول رایج در این نظام متناقض است.

نظام اقتصاد طبیعی از طریق ایجاد پول آزاد و زمین آزاد از تمام عوارض منفی نظام رقابت آزاد رها می‌شود و زمینه را برای تحقق کلیه شرایط رقابت آزاد واقعی بین نیروهای فعال اقتصادی فراهم می‌سازد. در این زمینه باید قضاوت کرد آیا نظام اقتصادی که در این نوشتار معرفی می‌شود برای برطرف کردن مشکلات اقتصادی جوامع مناسبتر از ایده جدید مطرح شده کمونیسم نیست. در نظام اقتصادی مورد نظر کمونیسم، راه نجات اقتصاد تماما به اعتماد بر تلاش مأموران حکومت، وظیفه‌شناسی آنان، رشوه‌خوار نبودنشان و تفکرات بشردوستانه آنان واگذار شده است. آراء ارائه شده تاکنون این ایده را القا می‌کنند که بشر یا باید اقتصاد خصوصی یا اقتصاد دولتی را انتخاب کند و راه سومی وجود ندارد. البته نظریه‌های دیگری در مورد تلفیق این دو نظام اقتصادی وجود دارد که با عناوینی مانند نظام مشارکتی، عمومی، سوسیالیستی و نظایر آن معرفی شده‌اند؛ اما در همه آنها این وحشت وجود دارد که دیدگاهی را در جهت نابودی آزادیهای شخصی، استقلال فردی، خودمسئولیتی و همچنین برقرار شدن سلطه مسئولان دولتی دنبال می‌کنند.

طرحی که در این نوشتار ارائه می‌شود، گزینه‌ای است جدا از همه این نوع نظامهای پیشنهاد شده که تاکنون هیچ ملتی فرصت به کار بردن آن را نداشته است، اما شرایط کنونی جهان ما را به انتخاب آن مجبور می‌سازد. نظام اقتصادی سنتی گذشته نمی‌تواند در آینده نیز استمرار یابد و بشر ناچار است یا این نظام را اصلاح کند یا نظام کمونیسم را بپذیرد.

این تصمیم‌گیری بسیار مهم است و باید با نهایت دقت صورت گیرد؛ زیرا در این انتخاب موضوعات فرعی‌تر، مانند حکومت اشراف یا حکومت مردم یا بالاتر بودن بهره‌وری کارگر در اقتصاد دولتی یا اقتصاد خصوصی مطرح نیست، بلکه باید در مورد موضوعات بسیار مهم‌تری تصمیم‌گیری شود. در واقع، انتخاب مورد نظر این است که آیا باید مسیر تعالی و ترقی بشر براساس قانون طبیعی انتخاب‌انسان‌سب طمی شود یا این انتخاب از طریق قدرت درک اشتباه‌پذیر و خودخواه انسان عملی شود.

در نظام اقتصاد طبیعی فرایند انتخاب‌انسان‌سب، به دور از هر نوع امتیازات تبعیض‌آمیز که رقابت آزاد را مخدوش می‌کند، به طور کامل از طریق عملکرد انسانها هدایت می‌شود و متأثر از ویژگیهای یکایک انسانهاست؛ زیرا نیروی کار تنها سلاح انسانها در طبیعت برای حفظ بقاست و انسان می‌کوشد با ارائه عملکرد بهتر، خود را در رقابت نگاه دارد و جایگاه خود را ارتقا دهد. در واقع، این عملکرد انسانهاست که به آنان حکم می‌کند چه زمانی به لحاظ اقتصادی مستقل شوند و چه زمانی تشکیل خانواده دهند و چگونه فرزندان خود را پرورش داده، زندگی خود را تأمین سازند. البته شیوه رقابت انسانها با شیوه نبرد حیوانات یکسان نیست؛ این کار حیوانات، بیشتر وابسته به قدرت بدنی آنهاست که در مورد انسانها مصداقی ندارد و شاید بتوان آن را در مورد انسانهای اولیه تصور کرد. در رقابت بین انسانها نیز نتایج رقابت برای طرفهای شکست خورده، مانند نتیجه شکست در نبرد بین حیوانات، وحشتناک و خشن نیست.

افراد ناتوان به دلیل عملکرد ضعیفشان برای تشکیل خانواده و نگهداری فرزندان با موانع بزرگی برخورد می‌کنند و نسل کمتری از آنان باقی می‌ماند؛ البته این روند ممکن است برای همه افراد ناتوان و معلول مصداق نداشته و موارد استثنایی نیز وجود داشته باشد؛ اما بدون شک وجود رقابت آزاد در این نظام سبب می‌شود افراد ساعی و با استعداد مزایای بیشتری به دست آورند و روند تولید مثل و تکثیر نسلشان نسبت به افراد ضعیف بیشتر شود، همین روند، نسل انسان را به مرور زمان بهبود می‌بخشد.

نوع نظام انتخاب‌انسان‌سب در نظام اقتصاد طبیعی چنین تقویت می‌شود که امتیازات تبعیض‌آمیز بین افراد و نسلها، با حذف بهره و توزیع برابر افزونه زمین بین همه مردم لغو گردد. در این شرایط به زنان معادل فرزندی که به دنیا می‌آورند سهم افزونه زمین پرداخت می‌شود؛ آنان دیگر مجبور نیستند به دلیل مشکلات مالی تن به ازدواجهای ناخواسته دهند و در نتیجه استقلال مالی کسب می‌کنند. در این حالت، به زنان حق انتخاب در نوع زندگی و روش پرورش فرزندانشان داده می‌شود تا جریان انتخاب‌انسان‌سب طبیعت تقویت شود. مراقبتهای پزشکی نیز که برای ادامه زندگی و تولید مثل معلولان و ناتوانان انجام می‌گیرد، روند انتخاب‌انسان‌سب در نظام اقتصاد طبیعی را کند نمی‌کند و می‌توان این اقدامات انسان‌دوستانه را همچنان ادامه داد.

در صورتی که افراد اقتصاد دولتی را بپذیرند، روند انتخاب‌انسان‌سب طبیعی متوقف می‌شود؛ زیرا دولت با اعمال سیاستهای حمایتی و پاداش و تنبیه نظم طبیعی نسلها را برهم می‌زند. در این نظام دولت تصمیم می‌گیرد که افراد چه موقع باید تشکیل خانواده دهند و به هر خانواده چه امکاناتی برای پرورش فرزندان تعلق گیرد؛ مانند امروز که دولت به مأموران خود مبالغ زیادی برای پرورش فرزندان می‌دهد. در نظام اقتصاد دولتی جایگاه انسانها متناسب با تواناییهایشان نیست، بلکه وابستگیهای خانوادگی، حزبی و نظایر آن در احراز جایگاههای بالا نقش دارند. در این نظام، افراد می‌توانند با تقلب و تزویر به جایگاههایی که مستحق آن نیستند دست یابند که در نتیجه نسلهای آینده نیز از چنین افرادی تشکیل می‌شود. در این میان، مأموران



دولتی که از ماهرترین افراد متقلبد، تعیین کننده سیاست انتخاب افراد برای احراز جایگاه بالا یا پایین در جامعه هستند. کسانی که با این روند موافق نباشند به جایگاه پایین جامعه سقوط می کنند و بتدریج از بین می روند.

تشریح بیشتر وضعیت جامعه ای که دولت همه اختیار آن را داشته باشد ضرورتی ندارد، اما باید به آزادیهایی که جامعه قبل از جنگ (اول جهانی) از آن برخوردار بود اشاره ای کرد و به یاد آورد تا چه حد آزادی جامعه موجب رفاه اقشار گسترده ای از مردم شده بود. در آن دوران مردم از اینکه منابع مالی کافی داشتند و می توانستند آزادانه به فعالیت شغلی بپردازند و آن گونه که بخواهند زندگی کرده و آزادانه به هر سو سفر کنند شاد بودند. همچنین از مداخلات بی حد و مرز دولت خبری نبود و هیچ کس ملزم نبود در مورد دارایی اش پاسخی دهد و همه می توانستند نقدینگی خود را به هر ترتیبی که می خواستند مصرف کنند؛ بنابراین دلایل، این دوران به دوران طلایی موسوم شد. در این دوران، گروه ناراضی، کارگران بدون ابزار تولید یا پرولتاریا به دلیل ضعف زیربنای نظام در محرومیت به سر می بردند. آیا اعتراض طبقه پرولتاریا و اشتباه موجود در نظام رقابت بنگاهی آزاد برای احقاق حق این طبقه، دلیلی است کافی بر اینکه کل نظام را رد کرده و نظام جدیدی روی کار آوریم، و به این دلیل آزادیها را از همه بگیریم و همه را به گروه خاصی که امور دولت را در دست می گیرند وابسته کنیم؟ آیا بهتر نیست که برخلاف این روش، اصل نظام بنگاههای رقابتی آزاد را حفظ کرده نقایص بنیانی آن را اصلاح کنیم، و به جای اینکه جامعه را اسیر دیکتاتوری گروهی خاص کنیم، سرچشمه شادی و طراوت انسانی، یعنی آزادی را تضمین کنیم؟

در خصوص ویژگیهای گردش امور اقتصادی در نظام اقتصادی مورد نظر کمونیسم لازم است نکاتی افزود: اول آنکه یکی از خصوصیات اصلی نظام اقتصادی کمونیسم حذف مالکیت خصوصی و برقراری مالکیت عمومی در جامعه است. باید توجه داشت افرادی که فقط به خود می اندیشند به لحاظ نظری خود را شیفته این نظام نشان می دهند. برای اطمینان از این موضوع کافی است در اجتماع کمونیستها پیشنهاد دستمزد گروهی کارگران و توزیع دستمزدها براساس نیازهای شخصی آنان مطرح شود، در این صورت همه سکوت می کنند؛ در صورتی که این پیشنهاد کاملاً در چهارچوب نظریه کمونیسم قرار دارد. در مقابل این پیشنهاد، طرفداران مالکیت مشترک ساکت می مانند چون در این فکرند که آیا آن پیشنهاد به نفعشان است یا خیر؛ در واقع پیشنهاد پرداخت دستمزد مشترک نه با نظریه آنان، بلکه با منافع شخصی کمونیستها تضاد دارد. حتی در شرایط برقراری نظام کنونی اقتصادی و حکومتی هیچ مانعی در راه تحقق هدف حقوق مشترک وجود ندارد. در هر زمان و در هر کارخانه کارگران می توانند حقوقشان را روی هم گذاشته به طور مساوی بین هم تقسیم کنند. در برابر این اقدام هیچ مخالفتی وجود ندارد، نه دولت مخالف آن است و نه کلیسا و نه سرمایه. برای تحقق آن نه به سرمایه، نه به سازماندهی خاص و نه به تأسیسات و تجهیزات احتیاجی است. کمونیستها قادرند در هر جای دنیا و هر وقت که بخواهند با تحقق این پیشنهاد به فعالیت خود بپردازند، اما تاکنون این کار از سوی آنان صورت نگرفته است؛ زیرا به اقتصاد اشتراکی اعتقاد واقعی ندارند. این در حالی است که تحقق پیشنهاد اشتراک در دستمزد فقط نیازمند این است که کارگران راضی شوند که در چهارچوب نظام سرمایه داری درآمدهای حاصل از کار خود را بین خود براساس نیازهای شخصی تقسیم کنند، اما در چهارچوب نظام اقتصاد دولتی باید اول ثابت شود که این نظام هیچ اثر منفی بر تمایل افراد به کار کردن

ندارد. اگر طرفداران نظریه کمونیسم بتوانند در شرایط برقراری نظام سرمایه‌داری نشان دهند که در صورت تحقق یافتن ایده اشتراک دستمزد، از تمایل به کار، کارآیی و استمرار کار طبقه کارگران کاسته نمی‌شود قدم بزرگی برای اثبات نظریه خود در زمینه اقتصاد دولتی برداشته‌اند. این واقعیت که پیشنهاد اشتراک در دستمزد عملی نشده و همواره با مخالفت روبرو بوده است نشان می‌دهد که ایده اقتصاد اشتراکی غیرقابل اجرا و غیر واقع‌بینانه است. در این باره اندیشمند معروف سِکِرِ تان<sup>1</sup> معتقد است که نیروی محرکه اصلی برای کار کردن، کسب منافع شخصی است؛ بنابراین، هر عاملی که این نیرو را تقویت کند باید حمایت شود و هر عاملی که مانع تجلی این نیرو گردد باید به عنوان عاملی آسیب‌آور قضاوت شود. به این اصل باید در زمینه همه احکام و قضاوت‌های مذهبی و فلسفی توجه داشت و از آن عدول نکرد.

نظام اقتصاد طبیعی نظامی است که در این چهارچوب طراحی می‌شود و از هر نظر شرایط بهتری برای زندگی نوید می‌دهد. بدین لحاظ این نظام مبتنی بر فطرت و طبیعت، هم بر نظام کنونی اقتصادی و هم بر نظام اقتصادی کمونیستها برتری دارد.

---

<sup>1</sup> . Eh. Secrátan